

کوتاه از دیپلماسی

## روانچی: ایران از برجام خارج نشده که بخواهد به آن بازگردد

● نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد گفت: جمهوری اسلامی ایران از برجام خارج نشده که حالا بخواهد به آن بازگردد و کاهش تعهدات تهران در قبال این توافق، در چارچوب ماده ۳۶ آن است.
مجید تخت‌روانچی افزود: چطور است ایران که در برجام هست، انتظار می‌رود کام اول را بردارد؟ براساس گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، روانچی در ادامه گفت: براساس ماده ۳۶، وقتی یکی از اعضای برجام مرتکب نقض آشکار و شدید می‌شود، این اختیار به ایران داده می‌شود که یا به‌طورکلی یا برخی از تعهداتش را انجام دهد و ما گزینه دوم را انتخاب کردیم.

## پاسخ سفارت ایران در اتیوپی به ادعای روزنامه نیویورک تایمز

● درپی ادعای روزنامه آمریکایی مبنی بر تلاش ایران برای حمله به سفارت امارات در اتیوپی، سفارت کشورمان در آدیس‌آبابا این ادعاها را رد کرد و آن را ساخته رسانه‌های وابسته به رژیم صهیونیستی دانست.
به گزارش ایسنا، روزنامه نیویورکتایمز روز دوشنبه در گزارشی ادعایی نوشت که ایران در نقشه حمله به سفارت امارات متحده عربی در اتیوپی دست داشته است. دولت اتیوپی پیش‌تر از بازداشت چند نفر در این ارتباط خبر داده بود، اما هیچ نامی از ایران برده نشده بود. سخنگوی سفارت جمهوری اسلامی ایران در اتیوپی، با انتشار بیانیه‌ای ادعاهای نیویورکتایمز را رد و تأکید کرد: این اتهامات بی‌اساس ازسوی رسانه‌های معاند وابسته به رژیم صهیونیستی ساخته شده است.

سخنگوی سفارت ایران همچنین تصریح کرد: نه اتیوپی و نه امارات متحده حرفی درباره دست‌داشتن ایران در این ماجرا نرده‌اند.

اتیوپی روز چهار فوریه (۱۶ بهمن) اعلام کرد ۱۵ نفر را به اتهام تلاش برای حمله به سفارت امارات در آدیس‌آبابا دستگیر کرده است و سرویس‌های اطلاعاتی این کشور نیز مدعی شدند این ۱۵ نفر تحت هدایت خراج‌ها می‌بوده‌اند. اتیوپی اطلاعات بیشتری درباره اینکه چه کسانی یا کشورهای خارجی پشت این ماجرا بوده‌اند، ارائه ندهاده، اما نیویورکتایمز در گزارش خود با استناد به منابع آمریکایی و صهیونیستی، ادعا کرده ایران در این مسئله دست داشته است.

## واکنش سازمان ملل به تصمیم ایران برای محدودسازی بازرسی آژانس بین‌المللی بازرسی‌های آژانس در ایران

● یک سخنگوی سازمان ملل به تصمیم ایران برای محدودسازی بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تأسیسات هسته‌ای ایران واکنش نشان داد.

به گزارش ایسنا، به نقل از پایگاه خبری اردوپیونت، فرحان حق، سخنگوی سازمان ملل، روز دوشنبه در یک کنفرانس خبری در واکنش به برنامه ایران برای محدودسازی بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ایران، خواستار همکاری کامل ایران با آژانس شد.

او دراین‌باره گفت: سازمان ملل از تمامی طرف‌های توافق هسته‌ای ازجمله ایران می‌خواهد به این توافق پایبند باشند.

بر اساس این گزارش، واکنش این‌ مقام سازمان ملل درپی این مطرح می‌شود که کاظم غریب‌آبادی، سفیر و نماینده دائم کشورمان نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین، اعلام کرد نامه توقف اجرایی اقدامات داوطلبانه ایران تحت برجام از تاریخ ۲۳ فوریه ۲۰۲۱ برابر با پنجم اسفند، عصر روز دوشنبه تحویل مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شد.



**سیدمحمدهادی موسوی کارشناس سیاسی**

براساس آنچه سخنگویان وزارت خارجه آمریکا و کاخ سفید اعلام کرده‌اند، به نظر می‌رسد دولت جو بایدن عجله‌ای برای احیای برجام ندارد. در چند هفته اخیر، دولت آمریکا مرتب بر این اصل اصرار ورزیده که ابتدا ایران باید به تعهدات برجامی خود بازگردد. در طرف مقابل نیز ایران، چون آمریکا را ناقض اولیه برجام می‌داند، توقع دارد این کشور اولین قدم را بردارد. با توجه به صحبت‌های مقامات خارجه، به نظر می‌رسد در آینده‌ی نزدیک، احیای برجام رخ ندهد؛ گرچه در دیپلماسی هیچ چیز بعید نیست و کشورهای ثالث تلاش زیادی برای نزدیکی مواضع طرفین به کار گرفته‌اند. اما علت امتناع آمریکا در بازگشت به تعهدات برجامی چیست؟
اولا برجام کارکرد امنیتی خود را از دست داده است. در مقدمه برجام، این‌ توافق‌نامه پیش‌نبرای جهت بهبود صلح در منطقه قلمداد شده است. در سه سال اخیر، اقداماتی مانند ترور سردار سلیمانی، حملات اسرائیل به منافع ایران در سوریه، حملات آمریکا به منافع ایران در عراق، ساقطکردن پهپاد آمریکایی از سوی ایران و حملات متعدد به منافع عربستان و امارات ازسوی حوثی‌ها، باعث شده خاورمیانه آبهستن حوادث زیادی شود. برجام در دولت اوباما، یک پیرونده امنیتی برای آرام‌کردن فضای منطقه، جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی و هسته‌ای در خلیج فارس و خروج تدریجی آمریکا از خاورمیانه بود. اما این سناریو در شرایط امروز خاورمیانه و دولت جو بایدن، کارکردی ندارد.

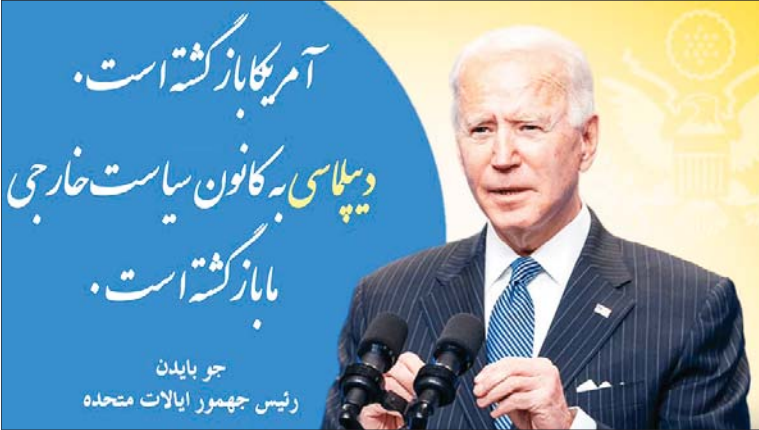
## دیپلماسی

## چرا بایدن عجله‌ای برای احیای برجام ندارد؟

مضافا اینکه برنامه‌های علنی و مخفیانه موشکی و هسته‌ای کشورهای حاشیه خلیج‌فارس نیز تسدید شده است. همچنین مشکلات داخلی آمریکا، به‌ویژه مواجهه با بیماری کرونا و تبعات اجتماعی و اقتصادی آن، چالش و اولویت اصلی دولت جو بایدن است. باید توجه داشت، این ایران است که نیاز به احیای برجام و رفع تحریم‌های خود دارد و نه دولت آمریکا. ثائیا، خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های یک جانبه علیه کشورمان، ایران را به‌شدت تحت فشار قرار داده است. اقتصاد ایران به‌شدت ضعیف، درآمد ارزی کشور کاسته شده و به‌زعم کشورهای غربی، فعالیت‌های منطقه‌ای ایران و تهدید کشورهای همسایه، با کاهش محسوسی مواجه شده است. این اتفاق‌ها، مطلوب هر دولتی در آمریکا است؛ بنابراین دولت بایدن به‌راحتی حاضر نیست دست از فشار بر ایران بردارد. مگر آنکه احیای برجام همراه با حفظ وضعیت موجود باشد. ازاین‌رو، پیشنهاد افزودن پیوست‌های موشکی، منطقه‌ای و امنیتی به برجام که ازسوی کشورهای عربی و اتحادیه اروپا ارائه شده بود، مورد تأیید دولت جدید آمریکا نیز قرار گرفت. این کشور قصد دارد احیای برجام را منوط به مذاکره در‌باره این موضوعات کند که با پاسخ تند ایران مواجه شده، موضعی که به نظر می‌رسد هیچ‌کدام از طرفین تمایل به تخفیف آن ندارند. ثالثا، جو بایدن علاقه ندارد در شرایطی که به‌تازگی و پس از چالش سنکین سیاسی با جمهوری خواهان به پیروزی رسیده و تمایل به یکپارچه‌سازی در داخل آمریکا دارد، در برابر ایران، ضعیف به نظر برسد. بازگشت به برجام و رفع تحریم‌های آمریکا بدون گرفتن هیچ امتیازی، حتما با انتقادهای داخلی مواجه خواهد شد. برخی از بانفوذترین ستانورهای جمهوری‌خواه، تعامل با ایران را به‌عنوان خط قرمز خود می‌دانند؛ بنابراین در شرایط فعلی و شکننده‌دموکرات‌ها در سنا، بایدن ترجیح می‌دهد کمترین چالش

نگاهی به ۳ راهبرد کلان سیاست خارجی

# راه سوم



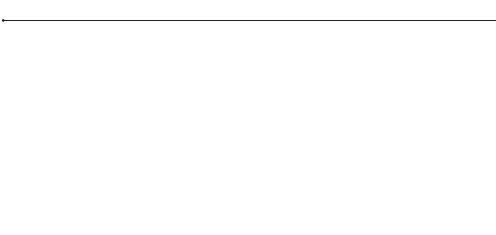
**پیام بایدن به زبان فارسی و خط نستعلیق**

ایسنا: وزارت امور خارجه آمریکا در صفحه فارسی توئیترش پیامی از جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا را با خط نستعلیق منتشر کرد که مطرح می‌کند: آمریکا بازگشته است. دیپلماسی به کانون سیاست خارجی ما بازگشته است. پیش از این نیز صفحه توئیتر فارسی وزارت امور خارجه آمریکا، اظهارات آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا را با خط نستعلیق منتشر کرده بود.

بنابراین سخن‌گفتن بیشتر در باب تقدم اقدامات چیزی شبیه تعارف پیش از ورود به یک سالن است که زیاده از حد مطول‌شدنش اصل موضوع را از حیثیت می‌اندازد. اولین اقدام در تهیه چنین جدولی می‌تواند ابتکار اتحادیه اروپایی به دعوت از گروه ۱+۴ و ایران با حضور نماینده ایالات متحده به‌عنوان غیرعضو در یک جلسه هماهنگی روند اجرائی باشد. اما سطح دومی که در رفتار و کنش‌های دولت تازه مستقر ایالات متحده نباید از نظر دور داشت سطح اقدام و عمل است. برخلاف سطح موضوع‌گیری که تاکنون اتفاق چندان چشمگیری در آن مشاهده نشده، رئیس‌جمهور تازه ایالات متحده در سطح عمل، کارنامه قاطع‌تر و روشن‌تری ارائه کرده است: انتصاب برجامی‌ترین افراد سیاست خارجی و امنیت ملی نزدیک به حزب دموکرات که غالباً مذاکره‌کننده برجام و قائل به بازگشت به تعهدات ایالات متحده هستند، در مقابل گرایش‌های راست‌تر دموکرات‌ها (مانند گرایش نزدیک به کلینتون‌ها)، اعلام رسمی عدم پشتیبانی از ائتلاف به رهبری عربستان سعودی در موضوع جنگ یمن، توقف فروش تسلیحات به عربستان و امارات به علت کاربرد آنها در جنگ علیه یمن، خروج حوثی‌ها از لیست تروریسم ایالات متحده، عدم تماس با بنیامین

ازهمین‌روست که در هفته‌های گذشته و با ازبین‌رفتن خطرات ماهوی برای برجام ازسوی ایالات متحده موضوع اثری با بالاخص فرانسه را تا حدی سرخسخت‌انرته‌اند از گذشته دیده‌ایم. اینکه کشوری گفت‌وگوهای دیگری را بعد از برجام و اجرای آن با حضور کشورهای ثالثی که در برجام عضویت ندارند، خواستار باشد البته مسموع است اما درعین‌حال ممکن است مورد موافقت دولت ایران قرار نگیرد. درعین‌حال آنچه مورد توافق طرفین است، این است که برجام و بازگشت طرفین به اجرای تعهداتشان منوط و مشروط به مذاکره و موضوع دیگری نیست. حداکثر ممکن است از یک‌سو اطراف‌ی این موضوع امیدوار باشند اجرای برجام این انگیزه را برای جمهوری اسلامی پیش آورد که موضوعات دیگر اختلافی را نیز به بحث بگذارد و از سوی دیگر نظام سیاسی ایران بر این راهبرد قرار گیرد که هم مشکلات خود را در باب اقتصاد و تحریم و… حل کند، هم مسئله هسته‌ای را به‌عنوان یک نمونه موفق یا اجرایی بادوام برجام عادی‌سازی کرده، هم در امتداد آن خود را به‌عنوان یک کشور عادی و قدرت منطقه‌ای به‌دیگرانسی که احیانا نمی‌خواهند با این واقعیت کنار آیند، بقبولاند و هم درنهایت مسائل را در زمین بازی‌هایی همچون منطقه آن‌طور که خود می‌خواهد پیچند و در آن به راهکاری مرضی‌الطرفین با بازیگران واقعی دست یابد. تقریبا می‌توان مطمئن بود که منافع ملای و ملموس همه طرف‌ها در بازگشت بی‌قیدوشرط به برجام در زمانی قابل پیش‌بینی و نه‌چندان طولانی است؛ هم تیم بایدن می‌تواند خود را پیروز یک صحنه از شکست‌های ترامپ نشان دهد، هم اروپا از دغدغه‌های اعلامی‌اش آسوده می‌شود و هم چین تأمین انرژی و قرارداد ۲۵ساله همکاری‌اش با ایران را با خیالی راحت‌تر پیش می‌برد. تنها کشوری در این میان که لزوماً منافعهش در کوتاه‌مدت قابل سنجش در چارچوب برجام نیست، روسیه است که البته در آن مورد نیز همکاری‌های هسته‌ای و نیز احیانا نظامی (که نشانه‌هایی آشکار از آن تاکنون دیده نمی‌شود) می‌تواند پرکننده خلا مذکور باشد. در تحلیل دوسطحی فوق نیز گفتار و عمل دولت بایدن باید این معنا را نیز لحاظ کرد که او که وارث دولتی مانند دولت ترامپ با تمام کسل‌های اجتماعی درون آمریکااست، خود را مواجه با نیمی از رای‌دهندگان

ممکن در قضیه ایران را با سناي آمریکا داشته باشد، چه اینکه دستیابی به حقوق ایران در برجام، نیازمند برخی تأییدات سنای آمریکاست. ماجرا وقتی پیچیده‌تر می‌شود که بدانیم تعدادی از سناتورهای دموکرات نیز موافق برجام نبوده و نیستند. ازاین‌رو، بایدن تلاش دارد با صرف زمان و گرفتن امتیاز از ایران، سنای آمریکا را با خود همسره کند. رابعا، دولت فعلی ایران در ماه‌های پایانی خود به سر می‌برد و مانند اکثر دولت‌ها در ماه‌های پایانی خود، از حداقل محبوبیت و اعتبار برخوردار است. مضاف بر اینکه به احتمال زیاد دولت بعدی ایران، نگاه متفاوتی به برجام خواهد داشت. ازاین‌رو، احتمال دارد در صورت هرگونه تغییر در شرایط برجام از سوی آمریکا، مانند دولت ترامپ، دولت بعدی ایران آن اقدامات را بلااثر کند. این امر باعث خدشه‌دارشدن اعتبار آمریکا می‌شود. نکته‌ای از این موضوع به‌صورت تلویحي در سخنان نماینده ویژه ایران در وزارت خارجه آمریکا ذکر شده است. خامسا، تصویب طرح مجلس شورای اسلامی در کاهش تعهدات برجامی و پادمانی ایران، این پیام را به طرف غربی ارسال کرده که بخش در‌خور توجهی از حاکمیت ایران، درصدد توقف برجام است. به‌همین‌دلیل، دولت بایدن منتظر است تا موعد قانون مجلس سر رسیده و دولت ایران اقدامات خلاف برجام مصوب مجلس را اجرائی کند. این اقدامات، دست دولت بایدن برای اجماع مجدد و فشار مضاعف بر ایران را مهیا خواهد کرد؛ چراکه نقض پروتکل الحاقی می‌تواند راه بازگشت پیرونده ایران به شورای امنیت را هموار و ابزار چانه‌زنی کافی برای آمریکا با ایران و دیگر ذی‌نفعان برجام را مهیا کند. در مجموع، با توجه به عوامل فوق به نظر می‌رسد بایدن تعجیلی برای رفع تحریم ایران ندارد و این ایران است که به‌جای اصرار بر مواضع قبلی، باید ابتکار عمل را در دست بگیرد.



آمریکایی می‌یابد که تقریبا هر مسئله‌ای بالقوه موضوع انتقاد و شکاف بیشتر و تضعیف دولت اوست. ازاین‌رو بایدن و تیمش هم باید طوری سخن بگویند که بیش از همه در مقابل گفتمان به‌ظاهر ملی‌گرایانه ترامپ «آوده» به نظر نرسند و به تسلیم پیهوده کارت‌های امتیاز آمریکا در معادلات بین‌المللی متهم نشوند و درعین‌حال ژست اقتدار خود را در فضای داخلی از دست ندهند. بنابراین این توقع که بایدن مانند آنچه در مورد توافق اقلیمی پاریس کرد، با یک دستور اجرائی به برجام برگردد، از ابتدا تصویری دور از واقع بود؛ چراکه اولاً برجام برخلاف توافق پاریس از نظر راست‌گرایان آمریکایی و حتی بخشی از دموکرات‌ها از بطن یک تنش و تهدید سرر برآورده و هزینه بازگشت به آن با توافقی در حوزه آب‌وهوا یکسان نیست و ثائیا برجام به‌واسطه جابه‌جاکردن توازن‌های مختلفی در سطح منطقه و بین‌الملل موضوعی به‌غایت حساس‌تر است و به‌خصوص در منطقه مخالفانی اساسی دارد؛ بنابراین بازگشت به آن نیز نیازمند زمینه‌چینی‌های غیرمستقیمی از جنس سیاست جدید آمریکا در یمن است. این‌ها ما نیز به‌صورت کلان سه راهبرد در سیاست خارجی متصور است: ۱. کلا از سرسختی در سیاست خارجی و دنبال‌کردن مسیر مستقلانه دست برداشته و مانند بسیاری از کشورها استقلال را قربانی اقتصاد کنیم، ۲. بی‌توجه به انزوای بیشتر و واکنش‌های قدرت‌های بزرگ و متوسط پیش برویم (اتفاقی که سال‌های ۸۷ تا ۹۱ نمودی چون قطع نامه‌های فصل هفتم شورای امنیت سازمان ملل را علیه کشورمان دربرداشت) و نهایتاً ۳. برای دنبال‌کردن مسیر خود در سیاست بین‌المللی و درعین‌حال جلوگیری از آسیب‌ها و خسارت‌هایی از جنس آنچه در ۱۵ سال گذشته شاهد بوده‌ایم، راهکار پیدا کنیم و در بزنگاه‌ها موضع خود را پیش ببریم.

این راهبرد سوم یعنی جمع‌زدن بین استقلال و توسعه و قربانی‌نکردن یکی به پای دیگری متوقف به چند شرط است: زیر است.

**قدرت آفرینی داخلی:** این قدرت آفرینی البته به معنای ایزولاسیون نیست. اما قطعاً باید در حوزه‌های مختلف مانند همبستگی اجتماعی، صنعت، کشاورزی، مؤلفه‌های راهبردی و موارد امنیتی توان ملی را تقویت کرد. نکته مهم این است که همان‌طور که تقویت صنعت، اقتصاد و بخش نظامی نگاه به داخل است، تقویت وزارت امور خارجه نیز در امر محوله و کار-ویژه خود هم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان کشور نوعی تقویت داخل است.

**درهم‌تنیدگی بیشتر با جهان:** این موضوع خود در مهم‌ترین پدافندهای غیرعامل است. مصادیق درهم‌تنیدگی بیشتر با جهان بیش از همه در تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری خارجی و وابسته‌کردن منافع دیگران به امنیت‌های خود و نیز دیپلماسی فعال و نقش آفرینی مثبت به‌ویژه در موضوعات منطقه‌ای است. برای این منظور البته باید عواملی را که دست‌وپای تجارت و دیپلماسی را می‌بندند، از سر راه برداشت. اجتناب از حرکات پاندولی؛ هر مسیری در راهبرد طولانی‌مدت کشور و سیاست خارجی‌اش اتخاذ شده باید با طول قابل‌توجهی ادامه یابد؛ چراکه تغییر سیاست متناوب هم کشور را در معرض بی‌اعتمادی بین‌المللی بی‌اعتبار می‌کند و هم موجب می‌شود تا ما هزینه هر دو سیاست اتخاذی را پرداخت کنیم و در انتهای زمان هنوز بر سر مسائل حل‌نشده خود باقی مانده باشیم.

**نیروی انسانی؛** واقعیت این است که با سرعتی که امروز جهان به پیش می‌رود، تحقق موارد فوق تنها با تصمیم و اراده اتفاق نمی‌افتد و نیازمند نیروی انسانی کارآمد است که بیش از هر چیز در سطح جهانی کارشناس باشد. برای تحقق این معنا با رجوع به تاریخ تحولات مثبت ایران و جهان به نیاز به کادرسازی واقعی از میان نخبگان واقعی با معیارهای خورسند بین‌المللی می‌رسیم. غیر از این‌ هرچه باشد و در‌ها در جذب کارشناسان هرچه بسته باشند، هیچ اراده‌ای نمی‌تواند به حل مسائل کشور کمک کند.

ادامه در صفحه ۹

ادامه از صفحه اول

## فرازوفرودمناطق آزاد ایران

به تعبیر دیگر، تنها کشورهایی در تجربه مناطق آزاد موفق بوده‌اند که از ابتدا دارای طرحی کلان برای اصلاح تمامی ساختار اقتصادی کشور خود بوده‌اند و مناطق آزاد را در همین راستا تأسیس کرده‌اند. (۳)

در اواخر دهه ۶۰ خورشیدی، اقتصاد ایران در وضعی خاص به سر می‌برد؛ جنگ تازه به پایان رسیده بود و دولتی متورم و کند بایدن درآمدهای نفتی اندک می‌توانست پاسخ‌گوی توقعات مردمی شود که در جست‌وجوی رفاه بودند. با دیدن نخستین نشانه‌های موفقیت و استقبال خارق‌العاده مردم و فعالان اقتصادی از منطقه آزاد خرمشهر، روند تأسیس منطق آزاد شتاب گرفت. در سال ۱۳۷۲ قانون مناطق آزاد تدوین و تصویب شد و دو منطقه چابهار و قشم به کیش پیوستند و پس از آنها، مناطق آزاد انزلی، ارس، اروند و ماکو.

اما کارکرد مناطق هفت‌گانه ایبا شباهتی به ساعت‌های وارداتی نداشت و در سال‌های پس از آن، این مناطق به تدریج در باتلاقی از طرح‌های زیرساختی نیمه‌تمام، سرمایه‌گذاری‌های پلالتکلیف، قاچاق کالا و فساد اداری فرو رفتند. برای توضیح این پدیده از سوی دولتمردان متولی و حامیان مناطق آزاد پاسخ‌های متنوعی داده شد که عموماً حول محور عدم حمایت کافی، سرمایه‌گذاری ناکافی و دخالت نهادهای غیرمربوط می‌چرخند، اما شاید پاسخ درست‌تر و کامل‌تر این باشد که «مناطق آزاد صنعتی - تجاری در ایران امکان موفقیت نداشتند؛ زیرا نه مستقر بودند، نه آزاد بودند، نه صنعتی، نه تجاری».

زمینه لازم برای بروز تخلفات در مناطق آزاد توسط قانون تأسیس مناطق آزاد ایجاد شد؛ متنی کلیشه‌ای به سبک و سیاق همه متون توسعه‌ای دهه ۶۰ میلادی «… به منظور تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری و افزایش سرمایه‌گذاری عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای تولید و صادرات کالاها ی صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی… ماده یک قانون تأسیس مناطق آزاد- ۱۳۷۲».

خواندن این متن حتماسی حداقل پرسشی که به ذهن متبادر می‌کند، این است که چگونه می‌شود اهدافی که سال‌هاست از سوی دولت‌ها با آن همه امکانات دنبال می‌شود و به جایی نرسیده است، با وضع این قانون در تکه‌زمینی در دوردست‌ترین جزایر و بنادر ایران محقق شود؟ پرسش دوم این است که هر قانون برای تحقق اهداف خود به منابعی نیاز دارد؛ منابع لازم برای اجرای این قانون کجا بود؟

واقعیت این است که با توجه به قلت منابع دولتی و فقدان قدرت ریسک‌پذیری برای سپردن مدیریت مناطق آزاد به دست بخش خصوصی، طبق معمول برای هر دو پرسش یادشده بیره‌اهای به‌عنوان پاسخ در نظر گرفته شد. در آیین‌نامه اجرائی قانون مذکور، مقرر شد هر واردکننده‌ای که کالاها ی خود را از گمرک مناطق آزاد ترخیص کند، تخفیفی بگیرد و بخشی از این تخفیف به‌عنوان درآمد (!) برای اجرای پروژه‌های عمرانی و امور جاری به مناطق آزاد تعلق بگیرد؛ یعنی بخشی از درآمدهای کشور از شمول حسابرسی خارج و در اختیار مدیران مناطق آزاد قرار گرفت تا فارغ از حسابرسی و دیوان عدالت بتوانند به صلاح‌دید خود در امور مناطق هزینه‌کنند. فساد و رانتی که تا به امروز در رسانه‌ها سوژه انتقاد به مناطق آزاد شده، عموماً ناشی از همین درآمد خارج از شمول بود.

این روزنه سبب شد مناطق آزاد برعزم عبارات قشنگی که در قانون تأسیس درباره صادرات گفته شده، در عمل تبدیل به دروازه واردات شوند؛ زیرا هر منطقه دمو‌دستگاه مفصلی دارد با ده‌ها پروژه عمرانی ریز و درشت که همگی نیازمند پول هستند و پول نیز در گرو واردات آگاهان به مناطق آزاد می‌دانند چگونه صاحبان کالاها ی وارداتی با ارائه تخفیف بیشتر برای ترخیص کالا قانع می‌شوند سر کشتی را از بنادر اصلی به سمت منطقه آزاد بچرخانند. مثلاً بار به بندرعباس وارد می‌شد، اما در آنجا بار یک کشتی دیگری می‌شد و به چابهار برده می‌شد تا از طریق گمرک منطقه آزاد چابهار ترخیص شود تا درآمدي نصب آن شود! حتی در مقاطعی مدیران مناطق سهمیه واردات جذب‌نشده منطقه خود را با گرفتن درصدی به‌عنوان حق‌الععمل به هم واگذار می‌کردند!

مناطق آزاد ایران در عمل چیزی هستند شبیه بقیه چیزها در ایران؛ کمی آرزو، کمی تخیل، کمی امکانات، کمی اختیارات و تعداد زیادی کارمند و مدیر ماجرای «گرفتن» مناطق آزاد ایران صرفاً یک ناکامی اداری و مدیریتی نبوده و تنها ناشی از آن هم نیست.

نگاهی به تاریخ برآمدن و توسعه مناطق آزاد موفق جهان حاکی از آن است که توفیق آنان در گسرو آن بوده که چیزی را عرضه کرده‌اند که در اطرافشان پیدا نمی‌شد یا حداقل به قیمت ارزان پیدا نمی‌شد. آریا مناطق آزاد ایران توانسته‌اند کارگرانی ارزان‌تر از جنوب شرق آسیا، خدمات و تأسیساتی ارزان‌تر از چین و هند، آزادی‌هایی ارزان‌تر از دوسوی و هنگ‌کنگ، زمینی ارزان‌تر از برزیل، آفریقا و… برای سرمایه‌گذار فرضی فراهم کنند؟ آیا توانسته‌اند منابع مالی با نرخ‌هایی شبیه نرخ‌های بین‌المللی برای سرمایه‌گذاران فراهم کنند؟ یا خودمان تعارف نکنیم، اگر روزی یکی از این ارزانی‌ها نثار سرمایه‌گذاران بین‌المللی شد، آن روز مناطق آزاد ایران تأسیس خواهند شد.

<sup>[1]</sup> به تعبیر دیگر، تنها کشورهایی در تجربه مناطق آزاد موفق بوده‌اند که از ابتدا دارای طرحی کلان برای اصلاح تمامی ساختار اقتصادی کشور خود بوده‌اند و مناطق آزاد را در همین راستا تأسیس کرده‌اند

<sup>[2]</sup> به تعبیر دیگر، تنها کشورهایی در تجربه مناطق آزاد موفق بوده‌اند که از ابتدا دارای طرحی کلان برای اصلاح تمامی ساختار اقتصادی کشور خود بوده‌اند و مناطق آزاد را در همین راستا تأسیس کرده‌اند